

آدمی هنگامی که دوران جوانی و توانمندی را پشت سر می‌گذارد موجی از وحشت توأم با کابوس همه زوایای جسم و جانش را فرا می‌گیرد. زیرا یک تنه باید با بسیاری از بیماری‌های دوران سالخوردگی به ویژه پارکینسون مبارزه کند. به دندان مصنوعی و عینک خیلی زود عادت می‌کند. فشار خون و میزان قند و کلسترول خون را هم طبق دستور پزشک کنترل می‌نماید، اما حریف هیولایی به نام پارکینسون نیست. این بیماری مخوف وقتی به بدن کسی رسوخ کرد، او را از انجام کارهای دقیق و ظریف روزمره ناتوان می‌سازد، حرکات بدنش را کند و توأم با لرزش می‌نماید، راه رفتن و صحبت کردن را مشکل می‌سازد و در مجموع فرد مبتلا را همچون محمدعلی کلی که روزی گرگ کارزار جهانی بود آنچنان ضعیف و ناتوان می‌کند که باید کوچکترین کارهای روزانه خصوصی خود را به کمک دیگران انجام دهد. مقاله‌ای که در این شماره ماهنامه سرمد ارائه شده ترجمه و نگارشی است پیرامون بیماری پارکینسون.

پارکینسون

P a r k i n s o n s

بختک وحشتناک برای سالخوردهگان

• ناصر بویان

بیماری پارکینسون، نوعی فلج مرتعشه است که در اثر آن بیمار بدن را به جلو متوجه ساخته و دولا دولا راه می‌رود. در حقیقت بیماری پارکینسون «بروز آشفته‌گی در حرکت ارادی بدن است». در این آشفته‌گی ماهیچه‌ها سفت و تنبل و حرکت، ناشیانه و دشوار می‌شود. لرزش یا رعشه خاصی به وجود می‌آید که ممکن است محدود به گروهی از ماهیچه‌ها گردد و یا به تمام ماهیچه‌ها سرایت نماید. در افراد مبتلا به بیماری پارکینسون، نیروی تفکر و عقل مختل نمی‌گردد، اما اگر کنترل ماهیچه‌های گفتار از اختیار بیمار خارج شود، امکان دارد برخی از جمله‌ها ظاهراً درست ولی نامفهوم جلوه نمایند. در بسیاری از بیماران، موروثی بودن پارکینسون (فلج آژیتان) به اثبات رسیده است. رعشه بدن در هنگام استراحت کاهش می‌یابد اما در موقع فعالیت بدن لرزش آن رو به افزایش می‌گذارد.

نکته دیگر درباره بیماران مبتلا به پارکینسون این است که چنین افرادی ممکن است سال‌ها به زندگی خود ادامه دهند و اغلب کار هم بکنند. بیماری پارکینسون را چنینیان باستان تقریباً می‌شناختند، اما در نزد آنها درمانی برای این بیماری وجود نداشت. بر پایه پاپیروس معروف مصریان در دوران فراغنه بیماری پارکینسون را می‌شناختند و به درمان آن می‌پرداختند. مثلاً دستور شماره ۶۲۳ این پاپیروس می‌گوید: «این داروی دیگر برای رفع لرزش دست است.»

خود جیمز پارکینسون که «بیماری پارکینسون» به نام او در تاریخ پزشکی ثبت گردیده، در سال ۱۸۱۷ میلادی، در کتابی زیر عنوان «رساله‌ای درباره فلج توأم با لرزش» این بیماری را «Paralysis agitans» (فلج مرتعشه) خوانده است. او در اثر پزشکی خود می‌نویسد: «حرکت لرزشی غیر ارادی، با کاهش قدرت عضلانی، که جزئی از عضلات کار نمی‌کند حتی وقتی که به آنها کمک شود با تمایل به خم کردن تنه به طرف جلو، و تبدیل حالت راه رفتن به حالت دویدن؛ حواس و فکر آسیمی نمی‌بیند.»

اینچنینی در این رساله شش حالت بیماری پارکینسون را مورد بحث قرار داده و علائم عمده آن را «حرکت، حالت چهره، لرزش» دانسته و نوشته بیماری مزبور در بالای پنجاه سالگی از یک دست آغاز شده و به تدریج گسترش یافته و سرانجام به ناتوانی حرکتی علاج‌ناپذیر می‌رسد. پارکینسون به رعشه‌های اجباری بدن نیز در این اثر پزشکی اشاره کرده است.

جیمز پارکینسون (James Parkinson, ۱۷۵۵-۱۸۲۴ م) پزشک، جراح، داروساز، و دیرین‌شناس انگلیسی در حومه لندن زندگی می‌کرد و به درمان مردم و تحقیق و نگارش اشتغال داشت. او چند رساله تحقیقی و انتقادی دارد. در زمان حیات او، اثر پزشکی مهم وی تنها چند جلد آن به چاپ رسید. هنگامی که ولیپیان (vulpion) استاد آناتومی آسیب‌شناسی دانشگاه پاریس و ژان مارتین شارکو (Jean Martin Charcot, ۱۸۲۵ - ۱۸۹۳ م) در سال ۱۸۶۱ میلادی بار دیگر پژوهش درباره فلج مرتعشه (یا فلج آژیتان) را آغاز نمودند آن را به نام «بیماری پارکینسون» شرح دادند.

چندین راه برای معالجه بیماران مبتلا به پارکینسون ارائه شده است که اغلب آنها داروهایی که در افزایش دوپامین مغز نقش دارند، می‌باشند، زیرا، بیماری مزمن پارکینسون به علت زوال تدریجی سلول‌های عصبی پدیدآورنده دوپامین به وجود می‌آید.

در حقیقت دوپامین به عنوان یک میانجی عصبی، برای ایجاد حرکت طبیعی و دقیق بدن ضروری است و اگر این ماده نباشد حرکات بدن به کندی و توأم با لرزش انجام می‌گیرد و شخص نمی‌تواند به کارهای ظریف و دقیق بپردازد.

سلول‌های سازنده دوپامین را می‌توان از ناحیه مرکزی غدد فوق کلیوی و یا مغز جنین نیز تهیه کرد. سلول‌های جنینی که تاکنون در مغز بیماران مبتلا به پارکینسون پیوند زده شده تمامی‌شان رشد نکرده‌اند. در ۸۵ درصد آنها پیوند با موفقیت همراه بوده، اما در ۱۵ درصدشان عوارض جانبی برگشت‌ناپذیر (مانند حرکات جهشی و شلاقی اندام‌ها) نمایان شده است.

بیمارانی که بهبود یافته‌اند عموماً کمتر از ۶۰ سال سن داشته و بررسی آماری نیز یک سال پس از عمل جراحی انجام شده است. محققان برپایه پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که با کاشت سلول‌های مولد دوپامین در داخل مغز می‌توان به نتایج امیدوارکننده‌تری دست یافت که خود خبری خوش برای بیماران پارکینسون است.

منابع و مآخذ:

۱. پیتر وینگیت و ریچارد وینگیت، دانشنامه پزشکی، ترجمه سیمین صفری متین، انتشارات کتاب ماد، تهران، ۱۳۷۳، صفحه ۵۱۷ و ۵۱۸.
۲. آترولی، الهه محرابی، تاریخ مصور پزشکی جهان، جلد اول، انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی، تهران، ۱۳۸۳، صفحه ۱۰۰، ۱۰۱ و ۱۶۶.
۳. خلاصه زندگینامه علمی دانشمندان، زیر نظر احمد بیرشک، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، صفحه ۲۹۲.
۴. دکتر ولی‌الله محرابی، تاریخ مصور پزشکی جهان، جلد سوم، صفحه ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۶ و ۱۴۷۷.

منابع مورد استفاده

ترجمه:

- دایره‌المعارف بین‌المللی گرولبیر، جلد ۱۴، صفحه ۹۵.
- هزاره پزشکی، هلن لی، گروه انتشاراتی پارتنون، نیویورک، ۲۰۰۰، صفحه ۷۸.